

# جام جم

گفت‌وگوی «جام جم» با کیانوش گلزار راغب، نویسنده کتاب «عصرهای کریسکان»

## فداکاری اعجاب‌آور در کردستان

« صفحه ۸

نگاهی به کارنامه زنده‌یاد حسین پناهی، هنرمندی که هنوز زنده است

### سال‌هاست که مرده‌ام به وقت گرینویچ

۱۰

مراسم تشییع پیکر زنده‌یاد حمید منوچهری روز گذشته برگزار شد

ویژه

## بیش از ۶۰ سال خاطره برای مردم

۶

روایت معاون سیما در سفر به سیستان و بلوچستان  
از چانمایی تولیدات استانی در شبکه‌های ملی

### افزایش سهم استان‌ها از آنتن سراسری

۶

یادداشت

احمد میراحسان | نویسنده و پژوهشگر

درباره سخن رهبری حکیم پیرامون فرهنگ تبلیغ در اسلام و امروز

#### رساندن سخن رسا



آتش زدن قرآن مجید، یک تبلیغ و نمایش ابلاغ‌کننده درجه‌کینه سازمان یافته شرک و چرک و ستم وحشی و فساد قدرت مدرن علیه دین اصیل و تهافت تبلیغی نقشه‌مند به زبان فرعون‌ی بیزیدی زمان حاضر و تصویرسازی کافران و سیستماتیک است. اگر هیچ اتفاقی دال بر قساوت و دشمنی بیرحمانه جهان مستکبر و کافر قدرت مدرن با پروردگار یکتا و هدایت الهی و توحید و اسلام و قرآن و خاندان وحی صلوات... علیه وآله وجود نداشت، همین بازی اخیر سوئد در قرآن سوزی و پشت‌پرده پروژه جهانی فرعونیت و یهودیت سامری کافی بود تا ارزش یکه سخن امام خامنه‌ای و مقام و صلاحیت بی‌مانند رهبری‌کننده‌شان تحت هدایت امام عصر (عج)، اثبات شود. می‌خواهم به دلایل اهمیت این سخنان بپردازم تا راه سوء فهم جهلا و دشمنان بر بسته شود و نیز حقیقت نسبت تبلیغ و ارشاد با تقوی و ضرورت استواری بر این پایه و طرد هر دورویی و فساد در این امر در نظام تبلیغی حوزه و دولت و تزکیه مدام و پاکسازی مدام جان مسئولان تبلیغ و نهادهای تبلیغ دین. تنها مردم پاک توان شهادت و ابلاغ و تبلیغ فعال و حقیقی و عملی و جانبازی در راه دین و اسلام و قرآن و عترت را دارند. چرا تبلیغ در سخن امام خامنه‌ای (دامت برکاته) این چند جایگاه والا دارد؟ و اهم وظیفه‌های اجتماعی حوزه‌هاست؟ آیا این کلمه «مهم‌ترین»، بار عقلی، علمی، شناختی و عملی دارد؟ اصول عملیه مجوزی برای آن در آستین دارد؟ یا سخنی احساسی و متناسب با مخاطبان مبلغ و واعظ است؟ یا اگر اتفاقی نباشد، محدود به حدود منافع قدرت است، این هم نباشد سنگی به حال و کنون ما دارد؟ تبیین وجه فقهی و اجتهاد علمی و صحیح آن کار عالمان و عاملان مجتهد و فقیه است و نویسنده در این حوزه بی‌دانش است اما ادراک و تبیین تاریخی آن و تبارشناسی کلمه در قرآن و منابع خاندان وحی علیهم‌السلام و نقش جامعه‌شناسی و فرهنگی تبلیغ از پژوهشگری تشنه حقیقت نسبتاً برمی‌آید و پرسش درباره آن برای دریافت پاسخ از اهل علم مفید و ضروری و شناخت ابعاد و ساختار و سازماندهی تبلیغ در نظام جهانی کفر وظیفه ماست و شناخت راه درست تبلیغ در اسلام و جمهوری اسلامی واجب است. سخن رهبر عزتمند ایران درباره تبلیغ در دیدار با مبلغان حوزه‌های علمیه دو پایه دارد:

۱- اهمیت مضاعف تبلیغ و اولویت آن در حوزه‌ها ۲- بیان لوازم کاربردی تبلیغ شنونده اهل تفکر از خود می‌پرسد واقعا تبلیغ اولویت حوزه‌هاست؟ و آیا تربیت عالم ربانی و فقیه میرز و عالم عامل و تزکیه شده و شایسته رهبری مسلمانان ایران و جهان و آموزاندن معارف اصیل در سطح عالی و فراهم آوردن فضای رشد علمی مستقل و آزاداندیشانه‌ها از سلیقه قدرت‌های گوناگون و معطوف به عقل و وحی الهی و هدایت و تفسیر معصومان چهارده‌گانه و اوصیای دوازده‌گانه رسول... صلوات... علیه‌هم در دایره تبلیغ می‌گنجد؟ چگونه تبلیغ که امر رساندن دین و معارف اصیل آن و نه اجتهاد رأی را در بر می‌گیرد فراتر می‌رود؟ از خود اصل امر و مهم‌تر از کسب مراتب عالی این معرفت و تزکیه جان برای آن می‌تواند قلمداد شود؟ (البته در این دوگانه‌سازی خواهیم دید غلط و محصول ذهن دکارتی و دوالیستی است یا بهانه‌جویانه) آیا این سخن سیاسی و تجلی منافع قدرت به سود خود و گسسته از دین و دستورات الهی و معارف اهل‌البیت نیست؟

به‌نظم هم می‌تواند باشد و هم نه برعکس انکشاف گوهر و اصل و حقیقت دین به‌شمار آید تا چگونه مطلب را درک کنیم! نکات ریشه‌ای در فهم درست سخنان امام خامنه‌ای در دیدار با مبلغان و واعظان حوزه‌های علمیه وجود دارد که اگر نسبت به‌زرف ساخت آن جاهل باشیم یا اغراض و حجاب‌های گوناگون مانع توجه به عمق سخن‌شان شود، از سوزی وهم و سوء فهم و وسوسه شیاطین، وانموده‌ای منحن خط داده خواهد شد! این نکات را تدبیر کنیم.

### نقش هنرمند و هنر در واکاوی آیین‌ها و سنت‌های ایرانی - اسلامی



عکس: مهدی توکلیان

درستی از این موضوع را داشت.

هنرمند ایرانی چه زمانی می‌تواند جهانی شود و پیام هنرمندانه خود را به جهانیان منتقل کند؟ یا به عبارتی دیگر چه بازه‌ای از زمان می‌تواند به تفکر جهانی ورود و جلوه‌گری کند و با این جلوه‌گری در دنیا بدرخشد. بنا بر اذعان بسیاری از

نخبگان و پژوهشگران هنر، هنرمند

زمانی می‌تواند جهانی شود که بر هویت

و هنر بومی ملت و قوم و عشیره و

سرزمین خود تکیه داشته باشد.

پایبندی گروهی از افراد یک جامعه به

یک شیوه عمل جمعی، مانند برگزاری

آیینی مشخص و همگانی، ناخواسته

پیوندها و ارتباطات میان اعضا را

تقویت می‌کند و در نتیجه ارتباط میان

اعضا، همبستگی و انسجام اجتماعی

هم تقویت و اسباب ثبات، استمرار و

پایداری جامعه فراهم می‌شود. به ویژه

وقتی عاملی کمکی، مانند باور دینی به

انجام آن آیین جمعی معنا بخشیده و اهتمام به آن را با وعده ثواب جذاب‌تر کرده باشد. از این رو برگزاری منظم و گسترده مناسک‌های مذهبی مانند تاسوعا و عاشورا حسینی یا اربعین حسینی به عنوان یک رویداد جمعی جهانی که در سالیان اخیر مورد توجه بسیاری از مردم

آیین‌هایی دارند؛ جامعه ایرانی نیز از این قاعده مستثنی نیست. هنرمند باید به این موارد توجه نشان دهد؛ زیبایی‌شناسی داشته باشد و خاستگاه مردمی آن را به مردم نشان دهد؛ وقتی هنرمند به این عرصه‌ها ورود می‌کند، مخاطبان را چند برابر کرده و به تفکر دعوت می‌کند؛ حتی آن‌ها که از این مسائل ابا دارند و فکر می‌کنند مردم ایجاد کرده است. برخی

کار غلط و واپسگرایانه‌ای است، خواهند دید که می‌توان

این مفاهیم را به شکل نو و مدرن نیز مطرح کرد.

هنرمند باید به موارد ریشه‌ای و مردمی خود

متصل باشد. حفظ هویت‌های ملی و مذهبی

برای هنرمند ضروری است و کمک می‌کند تا خاستگاه

اصیل و مردمی هنر بیرون‌دادی برانزده همان مردم را

داشته باشد بهره‌جستن از هنرهای تمدنی و تاریخی

ایران اسلامی مانند هنر سقاخانه‌ای و خاستگاه مردمی

این هنر نقش موثری در برقراری ارتباط با مخاطبان دارد و

می‌تواند در جان‌بخشیدن به رؤیاپردازی صور خیال

عشقی که به خاندان ائمه اطهار علیهم‌السلام از دیرباز در

بین مردم و هنرمندان وجود داشته است در هنرهای

مختلف تجسمی و نمایشی مورد توجه قرار گیرد توجه

به‌خاستگاه اصیل و مردمی هنرهای سنتی و آیینی

ضروری است؛ بنابراین باید هویت‌های خود را حفظ کرد.

هنرمند نام‌آوری چون سیاستین باخ که به موسیقی

کلیسایی ورود و همه آهنگ‌ها و ترانه‌های مردم روستاها

در مصائب حضرت مسیح را جمع‌آوری کرد نیز درک

هنرمند در جامعه ایرانی بر اساس برخی رفتارهای خاص عده‌ای ناهنرمند مفهومی متفاوت را در اذهان نخبگان و عموم مردم ایجاد کرده است. برخی رفتارهای خاص با ظاهری

متفاوت از عموم مردم تصور چهره‌ای هنرمندانه را نشان

می‌دهد در حالی که بسیاری از هنرمندان بزرگ جهان با

ظاهری پسان بسیاری از مردم زیسته و تفاوتی آشکار از

خود نشان نداده‌اند. رنگ و فرم و ظاهری متفاوت با برخی

رفتارهای زنده و گاهی کسالت‌آور دست‌آورد

هنرمند نام‌بودن در روزگار هم عصر ماست در حالی که هنر

و هنرمند دارای جایگاه بالا و ارزشمندی است که در خلق

آثار از لطف خداوند منان منتعم شده است، نه در ظواهر

امر و برای تمایز نشان دادن‌های ظاهری با هر روش و

محتوایی بتواند جولان دهد.



هنرمند نه تنها سخت و پیچیده سخن نمی‌گوید بلکه تلاش می‌کند تا بتواند پیچیده‌ترین مضامین فلسفی، عقلی و عرفانی را در بیانی ساده با زبان هنر بازگو کند. هنرمند، مضامین پیش پا افتاده را معماگونه به مردم ارائه نمی‌دهد. هنرمند نمی‌تواند جدا از آیین‌ها و رسم‌های زیست‌بوم خود باشد. همه جامع اصیل و کهن در سوگ و شور و شادی، غم، راه، رسم‌ها و

ملت‌های مختلف جهان نیز قرار گرفته است نقش مهمی در ایجاد الفت، وحدت و همبستگی هر چه بیشتر میان مردم دارد.

هنرمندان در بستر مناسبت‌ها و رویدادهای جمعی تأثیرگذار و مهمی چون اربعین چه نقشی دارند و در چنین بستر مهبای معنوی که از اجتماع پرشور مذهبی به وجود آمده است چگونه می‌توانند نقش آفرینی کنند؟ ناگفته پیداست که در چنین مناسبت‌هایی، امکان از میان بردن اختلافات فرهنگی و کم‌اترکردن شکاف‌های موجود میان ملت‌های منطقه میسرتر به نظر می‌رسد و هنرمند است که می‌تواند با بهره‌جستن از نعمت‌های درونی خویش به روایت‌های صحیح و انسانی سرنوشت‌سازی از رویدادها بپردازد.

مناسک‌ها و آیین‌های سنتی، محل تلاقی رفتارها و باورها هستند؛ یعنی جایی که یکسری باورهای مذهبی به رفتارهای عملی پیوند می‌خورند و در فضای مناسکی اربعین هم به خوبی می‌توان شاهد تلاقی و پیوند میان باور و رفتار بود. باوری که فرد را در مسیر حرکت عینی قرار می‌دهد، مسیری پر از رنج و سختی. در واقع مسیر زیارت و سختی‌های آن هم جزئی از عمل مومنانه است و زیارت از همان نقطه شروع حرکت زائر آغاز شده است و از آنجا که «هر مناسکی نوعی فرایند تطهیر محسوب می‌شود» از این رو فرد در این تلاش خاص و با تحمل سختی‌های مسیر به نوعی به دنبال تطهیر نفس و رهایی از آلودگی‌ها و خالص‌شدن است؛ البته در مسیر زیارت اربعینی برای تحمل رنج‌ها و سختی‌ها علاوه بر نیاز فرد به تطهیر، دلالتی دیگر هم وجود دارد و آن تلاش زائر امام حسین(ع) در دستیابی به نوعی همدات‌پنداری با امام و خانواده و یاران ایشان است؛ یعنی مرور و تکرار تجربه جدیدی از آنچه قرن‌ها پیش اتفاق افتاده است و از امام حسین(ع) و یارانش برای ابد، تصویری زنده و مقدس در اذهان حک کرده است با حضور در یک مناسک به یکدیگر شهادت می‌دهند که همگی از اعضای یک جماعت با نظام اخلاقی مشترک‌اند و به پیوندهای خویشاوندی که آنان را به هم



عشق به خاندان ائمه اطهار(ع) از دیرباز در بین مردم و هنرمندان وجود داشته است و در هنرهای اصیل و مردمی، سنتی و آیینی هویت‌های خود را حفظ کرده‌است

متصل می‌کند آگاهی می‌یابد. این احساس رضایت، خود تقویت‌کننده روحیه و موجد پیوند با جامعه است؛ بنابراین فرد در بازگشت با روحیه‌ای مضاعف در تعامل روزمره با دیگران قرار می‌گیرد، روحیه‌ای که محصول زیارت است.